

أصل السومريين:

خاستگاه سومريان :

اللغة السومرية تختلف عن اللغات السامية التي وجدت في بلاد ما بين النهرين، وقد مثل هذا الاختلاف مشكلة - في تحديد أصل السومريين - جعلت كثيراً من الباحثين والمتخصصين يفترضون أصلاً بعيداً للسومريين؛ كالهند وشرق آسيا أو حتى أوروبا، ولكن بعض المتخصصين الأوائل مثل جوزيف هاليفي والمتأخرين مثل الدكتور نائل حنون (1) خلصوا إلى نتائج أخرى واعتبر بعضهم أن السؤال عن أصل السومريين سؤال خاطئ، حيث خلص الدكتور نائل حنون إلى أن الموجود هو كتابة سومرية اخترعها الاكاديون للتدوين في بداية محاولات الكتابة والتدوين باللغة المسمارية، وبالتالي فالسومريون هم الاكاديون (البابليون والشوريون) وليسوا قومية أخرى، أي إن السومريين الاكاديين هم ساميون.

1. الدكتور نائل حنون باحث عراقي (1952) يحمل شهادة ماجستير آداب في الآثار القديمة من جامعة بغداد (1976)، وماجستير آداب في الكتابات المسمارية من جامعة تورنتو كندا (1982)، ودكتوراه فلسفة في اللغة الاكادية وآدابها من جامعة تورنتو كندا (1986)، قام بالتدريس في الجامعات العراقية ومنها جامعة بغداد وجامعة الكوفة وأخيراً قام بالتدريس في جامعة دمشق، له مؤلفات كثيرة وقد أصدر أول معجم عربي للغتين السومرية والاكادية.

زبان سومری با دیگر زبان‌های سامی که در بین النهرین وجود داشته، متفاوت است. این تفاوت باعث بروز مشکلاتی در تعیین اصل و منشأ سومری‌ها شده است. بر همین مبنا بسیاری از پژوهش‌گران و کارشناسان، خاستگاه سومریان را به جاهای دوردستی همچون هند، شرق آسیا و حتی اروپا نسبت می‌دهند. اما برخی کارشناسان اولیه همچون ژوزف هالوی# و نیز برخی کارشناسان متأخر از قبیل دکتر نائل حنون ۱، به نتایج دیگری دست یافته‌اند. برخی از این کارشناسان، اساساً پرسش از منشأ سومری‌ها را نادرست به‌شمار می‌آورند. دکتر نائل حنون به این یافته رسیده که آنچه در دسترس است همان خط سومری است که اکدی‌ان در آغاز دوران تلاش برای کتابت با استفاده از خط میخی، برای نوشتن به کار می‌برده‌اند و در نتیجه

سومری‌ها همان اکدی‌ها و آشوری‌ها (بابلی‌ها و آشوری‌ها) می‌باشند، نه قومی دیگر. به عبارت دیگر سومری‌های اکدی همان قوم سامی هستند.

(#)- ژوزف هالوی (Joseph Halévy) متولد ۱۸۲۷ و متوفای ۱۹۱۷، زبان‌شناس و باستان‌شناس یهودی متولد عثمانی (ترکیه فعلی) بود. وی

مطالعات زیادی در مورد الواح سومری و کتاب مقدس داشت. (مترجم)

۱- دکتر نائل حنون پژوهشگر عراقی متولد ۱۹۵۲ است. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد مرمت و مطالعه آثار باستانی از دانشگاه بغداد در سال ۱۹۷۶، کارشناسی ارشد ادبیات در خط میخی از دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۱۹۸۲ و دکترای فلسفه در زبان اکدی و اصول آن از دانشگاه تورنتو کانادا در سال ۱۹۸۶ است. وی در دانشگاه‌های عراق از جمله دانشگاه بغداد و دانشگاه کوفه به تدریس اشتغال دارد. ایشان این اواخر در دانشگاه دمشق نیز تدریس داشته است. مؤلفات فراوانی از او به‌یادگار مانده که اولین واژه‌نامه عربی دوزبان سومری‌اکدی از آن جمله است.

«ویثبت بحث ثورکلد یا کوبسن عدم حدوث أي صراع بين السومريين والاكاديين على أساس الاختلاف القومي، على الرغم من حتمية مثل هذا الصراع في التنارع على السيادة في منطقة محدودة المساحة والموارد مثل جنوب بلاد الرافدين القديمة التي تفتقر تماما للحواجز الطبيعية التي تفصل بين اجزائها فيما اذا وجد القومان معا. ويمكن تلخيص أهم النتائج التي توصل اليها ياكوبسن في بحثه هذا على النحو الاتي:

«تحقيق تركيب ياكوبسن### ثابت می‌کند که بین سومری‌ها و اکدی‌ها هیچ نزاعی بر اساس اختلافات قومی درنگرفته است، علی‌رغم اینکه بروز چنین درگیری‌ها و تنش‌هایی بر سر حاکمیت، در منطقه‌ای با مساحت و منابع محدود مانند جنوب بین‌النهرین قدیم که به‌طور کامل فاقد موانع طبیعی که بتواند مناطق مختلف آن را به‌هنگام حضور همزمان دو قوم در آن جدا سازد، کاملاً قطعی است. مهمترین نتایجی را که یاکوبسن در پژوهش خود به آن دست یافته‌است را می‌توان به شرح ذیل خلاصه نمود:

(##)- تورکیلد یاکوبسن (Thorkild Jacobsen) متولد ۱۹۰۴ و متوفای ۱۹۹۳، زبان‌شناس دانمارکی و متخصص ادبیات سومری و آشوری بود.

(مترجم)

أولاً: لم تكن الصراعات بين المجموعات البشرية المختلفة في بلاد الرافدين القديمة على أساس الخلافات القومية وإنما على أساس الخلافات السياسية الإقليمية. ثانياً: إن الصراعات والحروب المذكورة في النصوص المسمارية لم تكن، ولا حتى في حالة واحدة بين السومريين والأكاديين باعتبارهم يمثلون قوميتين مختلفتين، وإنما كانت

بين مدينة واخرى أو بين دولة-مدنية وأخرى دون ان يكون لذلك علاقة بالانتماء القومي لسكان أي من المدينتين.

ثالثاً: إن أي بحث عن اختلاف السومريين عن الأكاديين يمكن أن يدور حول استعمال اللغة، أسماء الأعلام، والمعتقدات الدينية فقط، ولا يمكن أن يدور حول الاختلاف العرقية أو العناصر الأنثروبولوجية الطبيعية - مثل اللون والملامح وشكل الشعر.... الخ وذلك لعدم إمكانية رصد مثل هذه الاختلافات أصلاً.

١- درگیری‌های موجود بین جوامع مختلف بشری در بین‌النهرین باستان از اختلافات قومی نشأت نمی‌گرفته بلکه دلیل این تنش‌ها، اختلافات سیاسی منطقه‌ای بوده است.
٢- نزاع‌ها و جنگ‌های ذکرشده در متون میخی، در عرصه واقعی حتی یک بار هم بین سومری‌ها و اکدی‌ها که دو قومیت مختلف محسوب می‌شوند روی نداده است، بلکه این تعارضات بین یک شهر با شهر دیگر یا بین دو دولت‌شهر صورت گرفته است و این کشمکش‌ها، به وابستگی قومی ساکنان هیچ‌یک از این دو شهر درگیر ارتباطی نداشته است.

٣- جستجوی تفاوت‌های موجود بین سومریان و اکدی‌ان باید فقط حول محور نحوه استفاده از زبان، اسامی بزرگان و معتقدات دینی باشد؛ نه در مورد تفاوت‌های نژادی یا عناصر طبیعی انسان‌شناسی مانند رنگ پوست، مشخصات چهره، شکل مو و غیره؛ زیرا رصد چنین تفاوت‌هایی عملاً امکان‌پذیر نیست.

أما أهم ما توصل إليه جي جيلب في بحثه فيمكن تلخيصه على النحو الآتي:

اما مهمترین دست‌آوردهای تحقیقات جی گلب#### را می‌توان به این شرح خلاصه نمود:

####- ایگناس جی گلب (Ignace Jay Gelb) متولد ۱۹۰۷ و متوفای ۱۹۸۵، باستان‌شناس لهستانی-آمریکایی است که تخصصش در زمینه تمدن آشور است و تحقیقات علمی مفصلی در مورد کتابت در عهد باستان دارد. (مترجم)

اولاً: یؤكد الدلیل الأنثروبولوجی أن الهیاكل العظمیة المكتشفة منذ أقدم العصور فی بلاد بابل تنتمي الی النوع المعروف بالفرع الشرقي لعنصر البحر المتوسط أي أنها

تماثل هياكل الاقوام البدوية في شبه الجزيرة العربية وبادية الشام. ولم تظهر هياكل من النوع ذي الراس الدائري الخاص بأقوام وسط آسيا، حيث يفترض أن يكون موطن السومريين الأول.

ثانياً: يؤكد البحث على أهمية الدليل المستمد من أسماء المدن القديمة الذي توصل اليه لاند زبيرجر في بحثه وعرضناه آنفاً. وفحوى هذا الدليل إن أسماء المدن الرئيسية القديمة في جنوب العراق لم تكن سومرية.

ثالثاً: تظهر في النصوص المسمارية أسماء اعلام أكادية مع أسماء الاعلام السومرية حتى في مدن يفترض إنها كانت سومرية في عصور سومرية. فأسماء ملوك أول سلالة حكمت بعد الطوفان، بموجب إثبات الملوك السومرية، كانت في الغالب أكادية. إذ إنه من مجموع 23 ملكاً ذكرت أسماءهم في هذه السلالة لم تكن الأسماء السومرية تزيد على ستة. وفي مدن مثل شروباك وأور كانت أسماء الاعلام الأكادية تظهر في النصوص منذ عصر فجر السلالات المبكر.

١- بر اساس شواهد و مدارك انسان شناسی ثابت شده که استخوان های کشف شده مربوط به کهن ترین دوران های منطقه بابل، متعلق است به گونه شناخته شده ساکن در بخش شرقی دریای مدیترانه. به بیان دیگر این بقایا نشان دهنده بدن های اقوام بدوی ساکن در شبه جزیره عربستان و بیابان شام بوده است. از سوی دیگر بقایای گونه سرگرد که ویژه اقوام مناطق مرکزی آسیا است یعنی همان جایی که احتمالاً موطن اولیه سومری ها به شمار می رود، یافت نشده است.

٢- وی در تحقیقات خود بر اهمیت مدارک به دست آمده از اسامی شهرهای قدیمی که لندزبرگر*# در پژوهش خود به آنها دست یافته و ما پیشتر آن را بیان نمودیم تاکید ورزیده است. مضمون اصلی این استدلال آن است که اسامی شهرهای مهم باستانی در جنوب عراق، سومری نبوده است.

(*#) - بنو لندزبرگر (Benno Landsberger) متولد ۱۸۹۰ و متوفای ۱۹۶۸، باستان شناس آلمانی است که تخصص وی در زمینه تمدن آشور می باشد.

(مترجم)

٣- در متون میخی، اسامی بزرگان اکدی همراه با اسامی بزرگان سومری ظاهر شده، حتی در شهرهایی که گمان می رود در دوران سومریان، جزو قلمرو سومر بوده است. اسامی اولین سلسله ای که پس از طوفان حکمرانی کردند، طبق ثبت پادشاهان سومری، غالباً اکدی است، زیرا از مجموع ۲۳ پادشاهی که اسامی آنها در این سلسله آمده، فقط ۶ نام سومری می باشد. در شهرهایی مانند شروپاک و اور، اسامی

بزرگان اکدی در متونی که از دوره نخستین سلسله به یادگار مانده مشاهده می‌شود.

رابعاً: آن جل معلوماتنا عن ملوك عصر فجر السلالات، الذين يفترض كونهم سومريين، تأتي من خلال نصوص ملاحم ألفت باللغة السومرية في العصر البابلي القديم، وليس في العصور السومرية المفترضة.

خامساً: أن الكتابة في مراحلها الأولى لم تكن محددة بالمنطقة السومرية المفترضة في جنوب العراق وإنما انتشرت في ما عرف بالمنطقة الأكادية، أي القسم الشمالي من جنوب العراق، وذلك في أثناء العصر الشبهي بالكتابي.

سادساً: بدأت النصوص الأكادية بالظهور منذ عصر فجر السلالات الثالث، الذي يعتبر من عصور السيادة السومرية، وذلك قبل تأسيس سرجون الأكادي لدولته. وفي عصر هذه الدولة كانت النصوص الملكية وأسماء السنين ثنائية اللغة أما النصوص الدينية والنصوص الاقتصادية فكانت تدون أما بالسومرية أو بالأكادية. وفي منطقة ديالى، البعيدة عن المنطقة السومرية المفترضة، استعملت اللغة السومرية لتدوين المعاهدات. وكان البابليون، في العصر البابلي القديم، يستعملون اللغة السومرية في التدوين إلى جانب اللغة الأكادية.

سابعاً: إن الدراسة المعجمية للغة السومرية تبين وجود مجموعتين من المفردات، الأولى تشمل مفردات سومرية، والثانية تشمل عدداً كبيراً من الكلمات المستعارة من لغة غير سومرية.

٤- عمدهء معلومات ما از پادشاهان دورهء نخستین سلسلهءا كه احتمال می‌رود سومری باشند، از طریق متون حماسی نوشته شده به زبان سومری به دست آمده كه بر خلاف انتظار در دوران بابل باستان نوشته شده و نه در دورهء سومری.
٥- كتابت در مراحل ابتدایی اش، فقط به منطقهء احتمالی سومریان در جنوب عراق محدود نبوده، بلکه در منطقهء موسوم به اکدی شیوع یافته است؛ یعنی قسمت شمالی جنوب عراق.

٦- نگارش متون اکدی، در دورهء سوم سلسلهءای اولیهء**# که از دورهءای حکمرانی سومریءا به شمار می‌رود، آغاز شد و این قبل از زمانی بود که سارگن اکدی پادشاهیءا را بنیان نهد. در زمان این دولت، متون پادشاهی و اسامی سالها دوزبانه بوده است؛ اما متون دینی و متون اقتصادی یا به سومری نوشته می‌شده یا

به اکدی. در منطقه دیاله، که فاصله زیادی از منطقه احتمالی سومریان دارد، از زبان سومری برای تدوین قراردادها استفاده می‌شده است. بابلی‌ها نیز در دوران بابل باستان، در کنار زبان اکدی، از زبان سومری برای نوشتن استفاده می‌کرده‌اند. (###) - دوره سلسله‌های اولیه خود شامل سه دوره است: دوره اول آن از حدود ۲۹۰۰ ق.م. آغاز شد و دوره سوم آن در حدود سال ۲۳۰۰ ق.م. یعنی تشکیل امپراتوری اکد پایان یافت. (مترجم)

۷- بررسی واژگانی زبان سومری از دو مجموعه از واژه‌ها پرده برمی‌دارد که یکی شامل واژه‌های سومری است و دیگری شامل تعداد زیادی واژه‌های وام‌گرفته‌شده از زبانی غیرسومری.

ثامنا: وجد عدد كبير من العلامات المسمارية بقيم صوتية معروفة ومستعملة في اللغة السومرية ولكن ليس لها قيم رمزية تدل على معاني مقترنة بها، وقد أطلق الباحثون على هذه القيم الصوتية تسمية كاكاسيكا (kakasiga). ووجود هذه القيم، أو المفاتيح اللغوية، يدل على إنها اشتقت من كلمات تعود إلى لغة غير سومرية. تاسعا: اختلفت المقاطع الرمزية السومرية التي كانت تستعمل للمعاني نفسها من منطقة الى أخرى في جنوب العراق إي- خول (HUL.E)، ولكن في المناطق الشمالية يعبر عنه بالمقاطع الرمزية ساك- كش- را (RA .GIS .SAG). وكانت بعض السوابق والأدوات اللغوية تستعمل في مناطق وتهمل في مناطق أخرى. عاشرا: كان هناك تأثير كتابي أكادي على الكتابات السومرية لا يقل وضوحا عن التأثير اللغوي وهذا يدل على إن الأكاديين كانوا على صلة بالكتابة حين اختراعها. فعلى سبيل المثال وجدت مقاطع في الكتابة السومرية اشتقت من كلمات أكادية مثل المقطع اد (id) من الكلمة الاكادية (idu) بمعنى يد، والمقطع بو (pu) من الكلمة الاكادية (pu) بمعنى فم، والمقطع از (iz) من الكلمة الاكادية (isu) بمعنى عصا. وهناك كلمات سومرية جعلت مقاطع رمزية بعد اشتقاقها من الكلمات الاكادية بالمعاني نفسها، مثل شام (sam) (ثمن) وخاز (hazi) (فأس).

۸- تعداد زیادی از علائم خط میخی هستند که معادل صوتی شناخته‌شده‌ای دارند، اما دارای معنای مشخصی در زبان سومری نمی‌باشند. محققان این علائم صوتی را کاکاسیگا (Kakasiga) نام‌گذاری کرده‌اند. وجود این علائم یا کلیدواژه‌ها، نشان‌دهنده این است که این علائم از کلماتی در زبان‌های غیرسومری مشتق شده‌اند.

۹- نمادهای سمبلیک سومریان که برای بیان معانی یکسان به کار برده می‌شد، با تفاوت‌هایی روبرو بوده است. به عنوان مثال در جنوب عراق از نماد سومری ای‌خول (E. HUL) استفاده می‌شده، ولی در مناطق شمالی آن را به صورت نماد ساگگیرا (SAG. GIS. RA) به کار می‌برده‌اند. همچنین برخی ضابطه‌ها و ابزارهای زبان در مناطقی به کار می‌رفت و در مناطقی دیگر، به کار نمی‌رفت.

۱۰- شیوه کتابت اکدی‌ها، بر نوشته‌های سومری تأثیرگذار بوده و این اثربخشی از میزان نفوذ لغوی کمتر نبوده است. این خود نشان می‌دهد که اکدیان در زمان اختراع خط، با آن آشنایی داشته‌اند. به عنوان مثال بخش‌هایی در نوشته‌های سومری وجود دارد که از کلمات اکدی مانند اد (id) مأخوذ از کلمه اکدی (idu) به معنای دست، پو (pu) برگرفته از کلمه اکدی (pu) به معنای دهان، ایز (iz) مشتق از کلمه اکدی (isu) به معنی عصا، مشتق شده است. همچنین یک سری واژه‌های سومری وجود دارد که پس از اشتقاق از واژه‌های اکدی، به عنوان کلمات نمادین جدید ولی با همان مفهوم به کار رفته است؛ مثل شام (sam) به معنای قیمت و خاز (hazi) به معنای تبر.

وقد أثار الأستاذ طه باقر في سبعينيات القرن العشرين موضوعا مهما متعلقا بالقضية السومرية حين رفض ما كان يذهب إليه بعض الباحثين من نسب صفات جسمانية للسومريين من خلال التماثيل والمشاهد الفنية موضحا إن ما يبدو من ملامح على التماثيل الآدمية كان أمرا تتحكم فيه الاساليب والطرز الفنية المتبعة في النحت بالدرجة الأولى، وإن ما يظهر من هيئات وسحن على تلك التماثيل للأفراد لا يمثل في الواقع فروقا أو ميزات قومية خاصة بالسومريين أو الأكاديين، وإنما هي أزياء خاصة بمقام الشخص الممثل. ويؤكد هذا الرأي ان الملامح والسمات التي درج الباحثون على عزوها إلى تماثيل السومريين ظاهرة أيضا في تماثيل أشخاص في مناطق بعيدة عن المنطقة المفترضة للسومريين مثل ماري (تل الحريري في سورية). ومن جهة أخرى نجد إن التماثيل المنسوبة الى السومريين من عصر فجر السلالات تختلف في أشكال أشخاصها عن التماثيل الشهيرة للأمير جوديا (السومري) الذي عاش في حوالي (2200 ق.م).

استاد طه باقر* در دهه هفتاد از قرن بیستم موضوع مهمی را در خصوص قضیه سومریان مطرح نمود. وی عقیده برخی پژوهش‌گران مبنی بر انتساب ویژگی‌های جسمانی به سومری‌ها با استناد به مجسمه‌ها و آثار هنری را رد کرد و گفت به نظر

می‌رسد ویژگی‌هایی که بر مجسمه‌های انسان‌نما وضع شده، مقوله‌ای است که در وهله اول باید در چهارچوب تکنیک‌ها و سبک‌های هنری مجسمه‌سازی مورد بحث و کاوش قرار گیرد. این ایده تأکید دارد که ویژگی‌ها و صفاتی که پژوهش‌گران در پیکره‌های سومریان می‌یابند، در مجسمه‌های اشخاصی در مناطق دور از ناحیه در نظر گرفته شده برای سومریان - مانند منطقه ماری (تل حریری در سوریه)- نیز مشاهده می‌شود. از سوی دیگر شکل مجسمه‌های منسوب به سومریان در ابتدای دوره سلسله‌های اولیه، با ظاهر مجسمه‌های مشهور فرمانروا گودیا که حدود ۲۲۰۰ ق.م. زندگی می‌کرده، متفاوت است.

(*)- طه باقر، (۱۹۱۲ تا ۱۹۸۵) باستان‌شناس، نویسنده، متخصص خط میخی و تاریخ‌دان عراقی است و دارای تألیفاتی در این زمینه‌ها می‌باشد.

(مترجم)

من خلال ما تقدم يتضح لنا ان الافتراض بوجود شعب سومري، يستدل على وجوده من وجود اللغة التي اطلق عليها اسم اللغة السومرية ومن اسماء الاعلام المصاغة بهذه اللغة، يثير من الاسئلة والاشكالات اكثر مما يجيب عليه. ويتضح لنا ايضا انه لا توجد ادلة سوى اللغة، على وجود السومريين باعتبارهم قوما عاشوا مع الاكاديين او سبقوهم على ارض جنوب بلاد الرافدين. وحتى في مجال الكتابة اصبح جليا ان الدراسات العلمية الرصينة لا تميل الى قبول الرأي القائل انها من اختراع السومريين. ومن هنا فاننا نميل بدليل ما تقدم، الى الاعتقاد بعدم وجود شعب يختلف قوميا عن الاكاديين بهذا الاسم، واما اللغة السومرية فلدينا ما يكفي من الاسباب التي تجعلنا نذهب الى انها لغة وضعت من قبل الاكاديين لغرض التدوين قبل ان يتمكنوا من ابتكار وسيلة لتدوين اللغة الاكادية نفسها. ونرى ان اللغة السومرية بالشكل الذي وضعت فيه لم تكن قابلة للتحدث بها، كما سنوضح لاحقا، ولكنها ساعدت الاكاديين على التوصل للمقطعية، بعد المرحلتين الصورية والرمزية. والمقطعية كانت الوسيلة الوحيدة التي تمكن من تدوين نصوص اللغة الاكادية التي كانت مستعملة في التخاطب ولكن الطريقة الصورية والرمزية لا تصلحان لتدوينها بسبب ما تزخر به من تصاريف واشتقاقات ومفردات غزيرة وانما يمكن ذلك بواسطة الطريقة المقطعية. ولولا ابتكار الصورية والرمزية لتدوين لغة وضعت اساسا لتدون بها لما امكن من الوصول الى المقطعية. ان ما قادنا الى هذا الرأي العمل في إعداد المعجم المسماري للغات الاكادية والسومرية والعربية الذي صدر الجزء الاول منه في بغداد عام 2001 م. فبعد انجاز الجزء الاول وبدء العمل في الاجزاء اللاحقة التي تتضمن المفردات اتضح لنا ان هناك عددا كبيرا

من المفردات والمقاطع الرمزية السومرية وضعت لأول مرة في زمن يمتد من منتصف الألف الثاني إلى منتصف الألف الأول قبل الميلاد، أي بعد الاختفاء المفترض للسومريين بأكثر من خمس قرون. وقد أثارت هذه الحقيقة لدينا استنتاجاً بأن تلك المفردات وضعت من قبل الأكاديين أنفسهم. وإذا كان الأكاديون هم الذين وضعوا المفردات السومرية في ذلك الزمن فما الذي يمنعنا من الاعتقاد بكونهم قد وضعوا المفردات والمقاطع قبل ذلك الزمن؟ وما الذي يمكن أن يدفعنا للظن بأنهم كانوا غير قادرين على وضع قواعد كتابية لتتحكم بصياغة تلك المفردات في نصوص مثل النصوص التي نعرفها اليوم باسم السومرية؟

ومن خلال البحث في هذا الموضوع توفرت لدينا أدلة عديدة تؤيد ما افترضنا لتضاف إلى ما سبق ذكره. وفيما يأتي نأتي على عرض الأدلة وذلك على النحو الآتي»(1).

1. المصدر (د. نائل حنون - حقيقة السومريين ودراسات في علم الآثار والنصوص المسمارية): ص 29 - 32.

از آنچه گذشت روشن می‌شود که فرض وجود مردم سومر بر اساس وجود گویشی که به آن زبان سومری می‌گویند و نیز بر پایه‌ی اسامی ساخت‌یافته بر مبنای این زبان، پرسش‌ها و ایرادات بی‌پاسخ فراوانی ایجاد می‌کند و نیز برای ما آشکار می‌سازد که به جز زبان، شواهد دیگری بر وجود سومری‌ها به اعتبار اینکه قومی بودند که با اکدی‌ها یا پیش از آنها در سرزمین جنوبی بین‌النهرین زندگی کرده‌اند، وجود ندارد. در خصوص کتابت هم روشن شد که پژوهش‌های دقیق علمی، این مطلب را که نوشتن از اختراعات سومری‌ها است، نمی‌پذیرد. لذا دلایل پیش‌گفته، ما را به این باور می‌رساند که ملت دیگری به این اسم وجود نداشته است که از لحاظ قومیتی با اکدی‌ها متفاوت بوده باشد. در خصوص زبان سومری، دلایل کافی در اختیار داریم که ما را به این فرضیه سوق می‌دهد که گویش مزبور توسط اکدی‌ها و با هدف تدوین و نوشتن پیش از آنکه خود اکدی‌ها بتوانند شیوه‌ای برای نوشتن واژه‌ها اختراع کنند، به کار می‌رفته است. و ما مشاهده می‌کنیم که زبان سومری به شکلی که ساخته شده بود، قابل استفاده در گفتگو نبوده است که این مطلب را در آینده بیان خواهیم کرد. ولی همین زبان، اکدی‌ها را در رسیدن به هجانگاری، پس از طی دو مرحله تصویرگری و آوایی کمک کرده است. هجانگاری تنها راه ممکن برای نوشتن متون زبان اکدی که در محاوره کاربرد داشت، به‌شمار می‌رفت، ولی از آنجا که شیوه‌های تصویرگری و آوایی آکنده از صرف، اشتقاق و مفردات ثقیل است، برای تدوین مناسب نبوده و این کار فقط به‌وسیله شیوه هجانگاری شدنی است. ولی اگر شیوه تصویرگری و آوایی برای تدوین واژگانی که اساساً برای همان منظور به کار می‌رود، ابداع نمی‌شد،

دسترسی به هجانگاری ناممکن می‌ماند. آنچه ما را به این ایده رهنمون می‌سازد، کار فراهم‌آوری "فرهنگنامه میخی برای زبان‌های اکدی و سومری و عربی" [المعجم المسماری للغات الاکادیه و السومریه و العربیه. (مترجم)] است، که جلد اول آن در سال ۲۰۰۱ میلادی در بغداد منتشر شد. پس از اتمام جلد اول و شروع تدوین مجلدات بعدی که شامل مفردات بود، برایمان روشن شد که واژه‌ها و آواهای سومری بسیاری وجود دارد که برای اولین بار در دوره زمانی که از نیمه اول هزاره دوم تا نیمه هزاره اول قبل از میلاد امتداد داشت - یعنی بیش از پنج قرن پس از محو شدن احتمالی سومری‌ها - بکار رفته است. این واقعیت ما را به این نتیجه رساند که این واژه‌ها و مفردات توسط خود اکدیان وضع شده است. با این حساب اگر اکدی‌ها خودشان در آن زمان این مفردات سومری را بکار گرفته‌اند، چه چیزی ما را از این اعتقاد که چه بسا اینها خودشان آن واژه‌ها و آواها را قبل از آن تاریخ نیز تدوین کرده‌اند، باز می‌دارد؟ و چه چیزی ما را به این گمان سوق می‌دهد که شاید اکدی‌ها از وضع قوانین کتابت براساس جمله‌بندی‌های لغات بکار رفته در متونی که امروزه آنها را به اسم سومری می‌شناسیم، ناتوان بوده‌اند؟

در جریان تحقیق درباره این موضوع، دلایل عدیده‌ای بدست آوردیم که فرضیه ما را تأیید می‌کند تا به این ترتیب آن را به مواردی که پیشتر ذکر کردیم بیفزاییم. در ادامه به ارائه دلایل پرداخته و آنها را بیان می‌داریم»^(۱).

۱. منبع: دکتر نائل حنون، حقیقت سومریان و تحقیقاتی درباره علم نشانه‌ها و متون میخی، ص ۲۹ تا ۳۲.

السومریون أو الاکادیون قوم لديهم أقدم حضارة وثقافة ذات قيمة حقيقية مسجلة حتى الآن ولديهم أقدم ديانة منظمة ومعروفة حتى الآن، وإذا نظرنا للدين على أنه تاريخ ثقافي فقط فستكون الديانات الإلهية الثلاث اليهودية والمسيحية والإسلام مجرد ناقلة للديانة السومرية الاكادية ومجتره لها لا أكثر، فقصة الخلق والطوفان ونوح والقصص والأمثال والقيم الأخلاقية العليا والسلوك المتسامي لبعض الأفراد والعبادات والدعاء والتضرع إلى الإله هذه كلها أمور موجودة في الديانة السومرية.

کهن‌ترین فرهنگ و تمدن ارزشمند و ثبت‌شده که تاکنون نیز باقی مانده است و نیز قدیمی‌ترین دین ضابطه‌مند و شناخته‌شده تا بحال، متعلق به قوم

سومریان یا اکدیان می‌باشد. اگر ما دین را صرفاً بعنوان تاریخ فرهنگ در نظر بگیریم، ادیان سه‌گانه الهی یهودیت، مسیحیت و اسلام فقط ناقلان دین سومری-اکدی بوده که از آن اقتباس یافته‌اند، نه بیشتر. داستان آفرینش، طوفان، نوح، داستان‌ها و حکایت‌ها، ارزش‌های والای اخلاقی و رفتار متعالی برخی افراد، عبادات، دعا و تضرع به درگاه خداوند همگی در دین سومری موجود است.

إضافة إلى أن الديانات الإبراهيمية الثلاث اليهودية والمسيحية والإسلام ترجع كلها بالأصل إلى إبراهيم (عليه السلام) الذي جاء من سومر.

علاوة بر این اصل و ریشه ادیان سه‌گانه ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام همگی به حضرت ابراهیم (علیه السلام) که خاستگاه وی سومر بوده است، بازمی‌گردد.

وبناءً على أن السومريين يمتلكون أقدم حضارة وثقافة أرضية ذات قيمة معروفة يمكن اعتبار أن السومريين القدماء أو القوم الذين انحدر منهم السومريون يمثلون الأصل الذي انتشر منه بنو آدم وثقافتهم إلى بقية الأرض، والسومريون في الرقم الطينية يعبرون عن أسلافهم بذوي الرؤوس السود، وهذا متوافق مع ما ثبت علمياً في الفترة الأخيرة من أن أصل الهومو سابينس المنتشرين الآن في الأرض هو أفريقيا.

از آنجا که کهن‌ترین تمدن و فرهنگ ارزشمند و شناخته‌شده روی زمین به سومریان تعلق دارد، می‌توان چنین برداشت کرد که سومری‌های باستان یا قومی که سومری‌ها از ایشان مشتق شدند، نمود و نماد خاستگاهی هستند که به‌وسیله آنها بنی‌آدم و فرهنگشان در دیگر نقاط زمین انتشار یافته است. سومریان در لوح‌های گلی، از اسلاف خود به سیاه‌سران تعبیر کرده‌اند و این

با آنچه اخیراً علم ثابت کرده مبنی بر اینکه اصل هومو ساپینس که امروزه در زمین منتشر شده، از آفریقا می‌باشد، مطابقت دارد.

أول الحضارات التي نشأت بعد السومريين بفترة ليست بقصيرة هي حضارات محيطية بأرض السومريين ويمثل السومريون بالنسبة لهم كمرکز، وهذا يعني تماماً انتشارهم إلى تلك البلاد المحيطة وإقامتهم حضارات فيها أو على الأقل انتشار وانتقال حضارتهم وثقافتهم.

اولین تمدن‌هایی که پس از مدتی نه چندان کوتاه بعد از سومریان به وجود آمدند، تمدن‌هایی گرداگرد سرزمین سومریان بود و سومریان مرکز آن بشمار می‌رفتند. این به آن معنا است که سومری‌ها در آن سرزمین‌های پیرامونی کاملاً پراکنده شده و فرهنگ و تمدن خود را در آنجا برپا نموده و یا حداقل منتشر و منتقل کرده‌بودند.

إذن، فالسومريون (الأكاديون) قوم ظهرت ثقافتهم فجأة دون مقدمات، وهي ثقافة راقية جداً ومميزة، وهذه القفزة الحضارية والثقافية الواضحة للسومريين تمثل مؤشراً واضحاً على دخول شيء جديد في المعادلة جعل هذا الموجود - الإنسان - ينتقل من التعامل الأثاني الحيواني الظالم إلى الرغبة في التعامل الأخلاقي، العادل، الإيثاري، الإنساني، - هذا بغض النظر عن بناء الحضارة المادية -.

بنابراین سومریان (اکدیان) قومی هستند که تمدن آنها که فرهنگی بسیار عالی و ممتاز است، بطور ناگهانی و بدون مقدمه پدیدار گشته‌است. این جهش آشکار تمدن و فرهنگ سومری‌ها، شاهدی روشن بر وارد شدن عنصر جدیدی در معادله است که باعث شد این موجود یعنی انسان از تعامل خودپرستانه و حیوانی ظالمانه، صرف‌نظر از برپایی تمدن مادی، به سمت تعامل اخلاقی، ایثارگری و انسانی متمایل گردد.

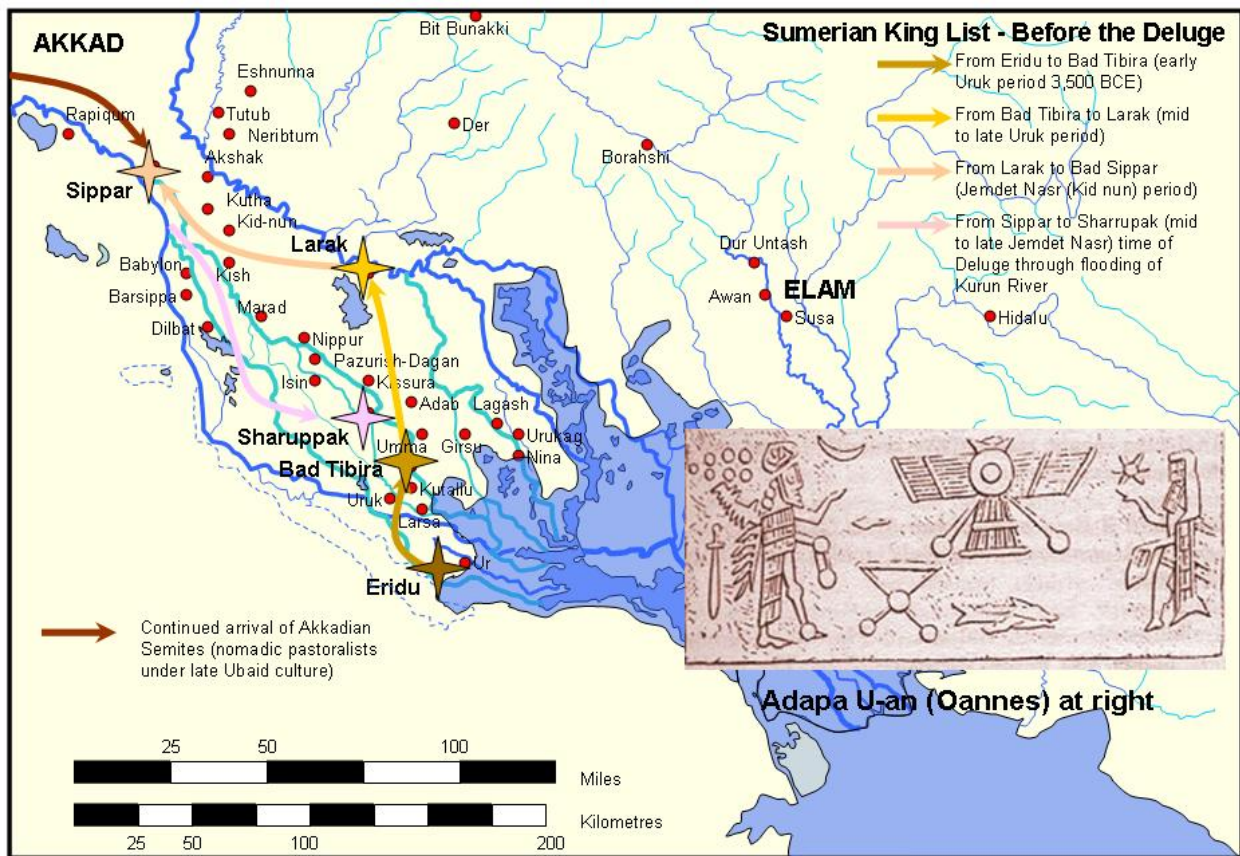
والتفسير الوحيد المعقول لهذا الأمر والذي تؤيده المكتشفات الاثارية هو دخول الدين في المعادلة، فالتفسير الديني لهذه النقلة الحضارية هو فقط الصحيح والحقيقي والمؤيد بالآثار التي أكدت أنّ هذه القيم جاء بها الدين أو آدم والأنبياء، فنفس آدم (عليه السلام) لما اتصلت بهذا الجسم المادي ذي البيولوجيا الأثانية دخلت هذه النفس في المعادلة ونقلت هذه النفس الطيبة من الإله القيم الأخلاقية العليا كالإيثار، وصدق بقية الناس أنّ هذه حقائق نتيجة أدلة لمسوها في أنفسهم وبدأوا بمحاربة الأنا بالإيثار وتحققت هذه النتيجة الطيبة المباركة التي صعق جمالها حتى الملحدون وأخذوا يترنمون بأنهم من الدعاة إليها ولا يسعهم أن يقولوا غير هذا رغم أن رائدها ومن أتى بها هو أعدى أعداء الملحدون وهو الدين الإلهي.

تنها تفسیر منطقی که مورد تأیید یافته‌های باستان‌شناسی نیز می‌باشد، وارد شدن "دین" در این معادله است. فقط تفسیر دینی می‌تواند این جهش تمدن را به گونه‌ای صحیح شرح دهد. وجود آثار باستانی مبنی بر اینکه دین یا حضرت آدم و پیامبران این ارزش‌ها را آورده‌اند، نیز مؤید این نوع تفسیر است. وقتی نفس آدم (عليه السلام) به این جسم مادی که از لحاظ بیولوژیکی خودخواه است، متصل شد، به معادله وارد شد و این نفس پاک، ارزش‌های والای اخلاقی همچون ایثار را از طرف خداوند انتقال داد. سایر انسان‌ها نیز پذیرفتند و باور پیدا کردند که این واقعیت‌ها نتیجه دلایلی است که در خویش‌ترن خویش احساس نموده‌اند. آنان به وسیله ایثار، جنگ با خودخواهی را آغاز کردند و این دست‌آورد پاک و مبارک بدست آمد؛ دست‌آوردی که حتی خدانا باوران نیز مدهوش زیبایی آن هستند و این ندا را که آنها نیز مدعی آنند، سر دادند. برای ملحدان نیز سزاوار نیست که چیزی غیر از این بگویند، هرچند پیشگام آن و کسانی که آن را آورده‌اند، سخت‌ترین دشمنان ملحدان بشمار می‌روند؛ یعنی دین الهی.

ولوجمعنا التاريخ الذي وصلنا عن السومريين في الألواح الطينية والآثار مع النص الديني فسنخرج بنتيجة أن السومريين أو سكنة بلاد ما بين النهرين ما هم إلا ورثة حضارة وثقافة آدم (عليه السلام) ونوح (عليه السلام) "اوتو- نبشتم" وإن كان في فترة موعلة في القدم عن التاريخ الذي وصلنا في الآثار والألواح الطينية.

اگر تاریخی را که در قالب الواح گلی و آثار باستانی از سومری‌ها به ما رسیده با متن دینی یکجا گرد هم آوریم، به این نتیجه می‌رسیم که سومریان یا ساکنان سرزمین بین‌النهرین در حقیقت وارثان تمدن و فرهنگ حضرت آدم (عليه السلام) و حضرت نوح (عليه السلام) (اوت ناپیشتیم) هستند، هرچند دورانی که آثار باستانی و الواح گلی آنها به ما رسیده، به اعماق تاریخ بازمی‌گردد.

SUMER, AKKAD AND ELAM



شکل 17: خريطة سومر واکاد وعیلام

المصدر(1): ویکیپدیا

1. متاح على:

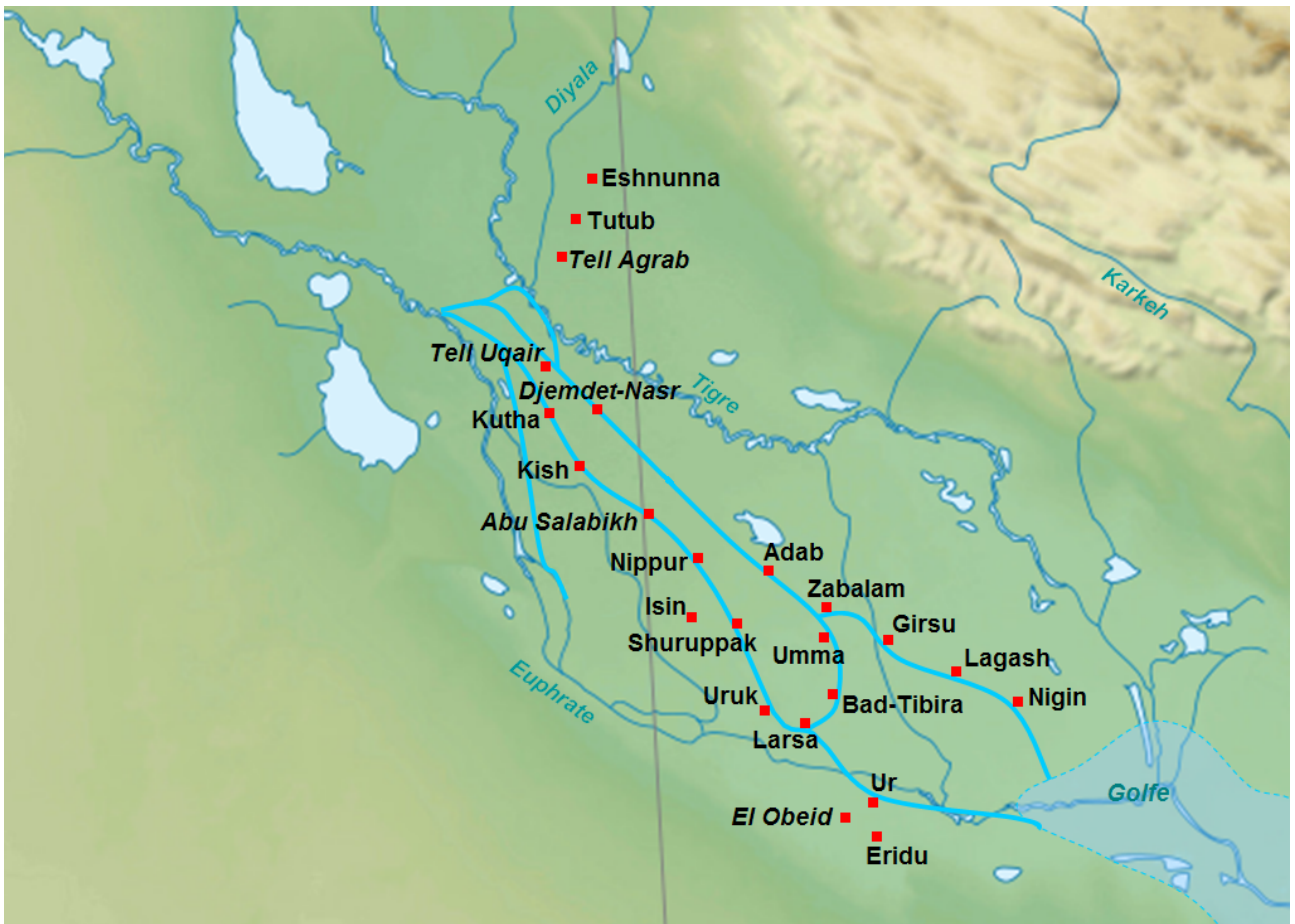
<https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Sumer3.jpg>

شکل 17: نقشه سومر، اکد و عیلام

منبع: ویکیپدیا

قابل دسترس در نشانی:

<https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Sumer3.jpg>



شكل 18: خارطة بلاد الرافدين Mesopotamia

المصدر (1): ويكيبيديا

1. متاح على:

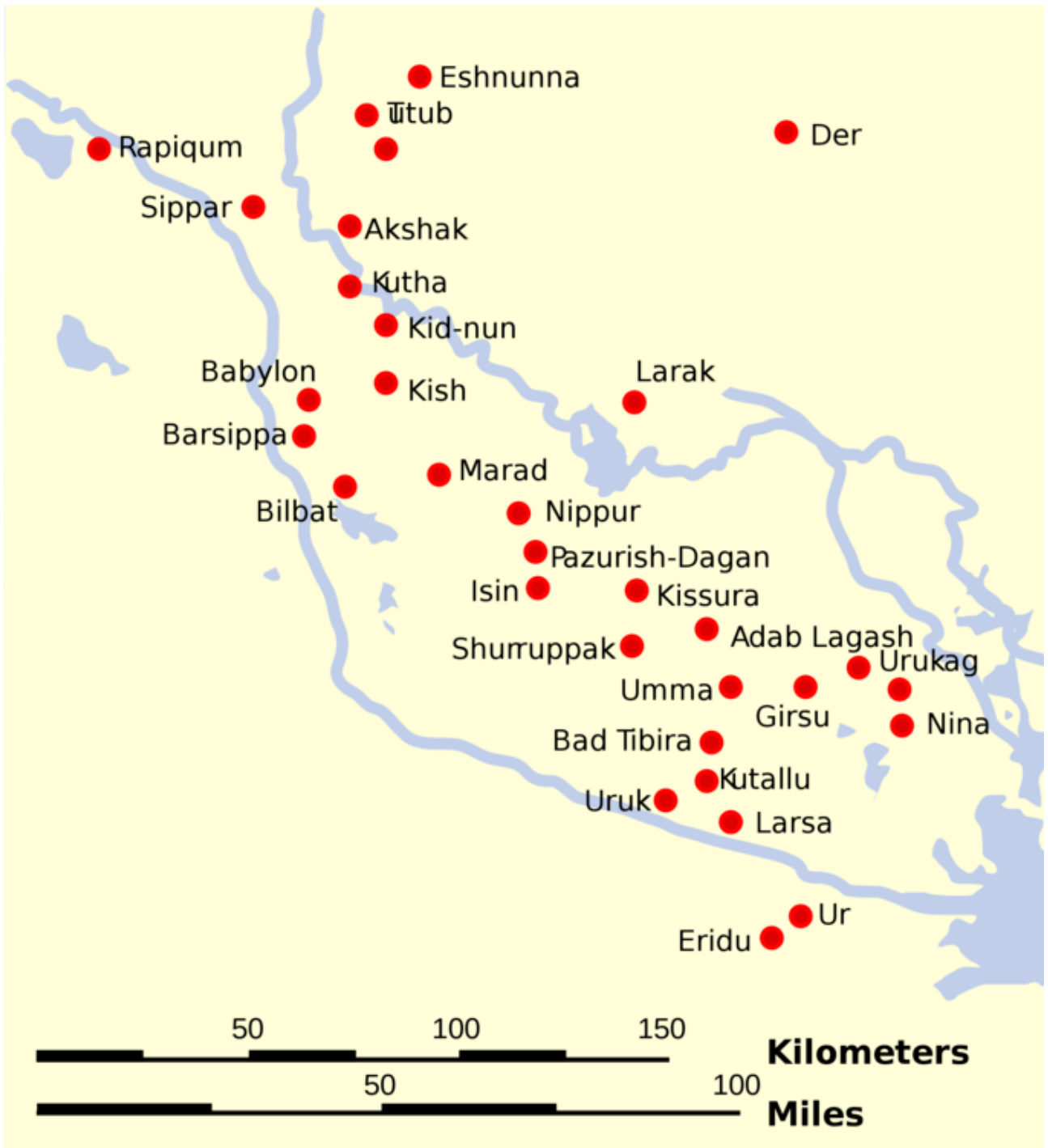
https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Basse_Mesopotamie_DA.PNG

شكل 18: نقشه سرزمين بين النهرين

منبع: ويكيبيديا

قابل دسترس در نشانی:

https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Basse_Mesopotamie_DA.PNG



شکل 19: خارطة سومر واکاد

المصدر(1): موسوعة التاريخ القديم - Ancient History Encyclopedia

1. متاح على:

<http://www.ancient.com.eu/image/com.eu.ancient.www://http/359>

<https://dinromerohistory.wordpress.com/2015/06/05/the-city-of-ur-and-uruk/>

شکل 19: نقشه سومر و اکد

منبع: دانشنامه تاریخ باستان Ancient History Encyclopedia

قابل دسترس در نشانی:

<https://dinromerohistory.wordpress.com/2015/06/05/the-city-of-ur-and-uruk/>

الخرائط رتبت تسلسها بحيث أيضاً تعطي صورة لا بأس بها لعملية انحسار المياه التي خلفتها القفزة الهيدروليكية للفيضان الذي ملأ الوادي بالمياه وكوّن الخليج الحالي وتسبب بنزوح السومريين الأوائل (أو سمهم ما شئت) من الوادي إلى مناطق جنوب العراق واستقرارهم على حافات المياه بحدود (15 - 8) ألف سنة ق.م، ثم بناؤهم القرى والمدن ثم انتشارهم وحضارتهم إلى بقية العالم كشمال أفريقيا.

نقشهها به گونه‌ای مرتب شده است که تصویری ابتدایی از فرآیند فرو رفتن آب را که ناشی از جهش هیدرولیکی سیل بود نشان می‌دهند، سیلی که تمام دره را با آب پوشاند و خلیج کنونی را پدید آورد، و به مهاجرت سومریان اولیه (یا هر نامی که شما روی آنها بگذارید) از دره به مناطق جنوبی عراق و استقرار آنها در کناره‌های آب در حدود ۱۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد منجر شد. سپس بنیان نهادن شهرها و روستاها و به دنبال آن منتشر شدن آنها و تمدن‌شان را به دیگر نقاط عالم مانند شمال آفریقا نشان می‌دهند.
